

یادداشت

افشای فساد ۹۲ هزار میلیاردی تف سر بالا برای کل حکومت

صادق کار



با سرمایه‌ای که از شرکت فولاد به غارت رفته می شد علاوه بر افزایش دستمزد و حقوق کارگران و بازنشستگان و نوسازی شرکت فولاد و بسیاری از مشکلات مردم اصفهان و کشاورزان اصفهان را رفع یا حداقل کم کرد. اما حکومت ۹۲ میلیارد سود اضافی شرکت را صرف تجهیز نیروهای سرکوب و رشوه به امامان جمعه، حوزه علمیه و دیگر نهادهای انگلی سر بار و مفت خور یعنی عواملی کردند که هر یک به شکلی در پاسداری از استبداد و بی عدالتی و سرکوب و فساد نقش داشته و دارند. همان‌هایی که کشاورزان زحمتکش اصفهانی را کشتند و کور کردند و اعتصاب و اعتراض کارگران و بازنشستگان را در اصفهان و خوزستان...

افشای فساد ۹۲ هزار میلیاردی ولوله‌ای در میان جناح‌های حکومتی بر پا کرده است و بار دیگر بر ساختاری شدن فساد در حکومت صحنه گذاشته است. آن گروه از جناح حاکم که با افشای جزئیات پرونده فساد و نسبت دادن آن به دولت گذشته قصد زدن ضربه دیگری بر رقیب خود را در سر داشت و می خواست ضمناً نشان دهد در مبارزه با فساد جدی است، اینک به تقلا افتاده است تا آن را به نوعی رفع و رجوع کند.

قالیباف رئیس مجلس انتشار گزارش فساد توسط مجلس را تکذیب کرد و از منبع انتشار آن اظهار بی اطلاعی نمود. ابراهیم رئیسی که بعد از افشای فساد دستور برکناری همه عوامل آن را داده بود چند روز بعد با افشای فساد مخالفت کرد و آن را اقدامی که نباید انجام می گرفت نامید و گفت: "نباید با انتشار



برخی گزارش‌های غیر مستند در رسانه‌ها، مردم را نگران کرد و افزود "هرگونه سخن یا اقدامی که باعث ناامیدی و کاهش اعتماد مردم شود، خط قرمز دولت است".

حسن درویشیان رئیس دفتر بازرسی رئیسی هم پرونده تخلف فولاد مبارکه را مر بوط به دولت قبل عنوان کرد.

سازمان حسابرسی که وظیفه تحقیق و تفحص از فولاد را به عهده داشته است انتشار آن را "شیطنت تبلیغاتی خواند. و کلا منکر هر نوع تخلف شد.

به دنبال آن رسانه‌های متعلق به جناح حاکم با دستپاچگی شروع به تخطئه گزارش کردند و آن را بهانه دادن به نیروهای مخالف و دشمنان نظام برای متهم کردن نظام به فساد ساختاری نمودند. آنطور که از گزارشات تا کنون منتشر شده پیداست، از این فساد افراد و نهادهایی از هر دوجناح ذینفع شده‌اند. ۹۲ هزار میلیارد بین از روزنامه دنیای اقتصاد گرفته، تا اطلاعات سپاه، حوزه علمیه، نیروهای انتظامی و پلیس، امامان جمعه، بسیج، استانداری‌های اصفهان و هرمزگان... تقسیم شده است.

هر کس به اسامی آمده در لیست که مراجعه می کند متوجه می شود که بخش عمده پولهای دزدیده شده از دسترنج کارگران و مهندسان فولاد بین نهادهایی تقسیم شده است که دست بر قضا از حامیان پروپا قرص دولت یک دست هستند و این قسمت ماجراست که آنان را به تکاپو واداشته است. این افشاگری که ممکن است توسط عواملی خارج از حیطه نفوذ هر دو جناح صورت گرفته باشد، حکم تف سربالا و بی آبروی بیشتر برای هر دو جریان را داشته است و افکار عمومی را به یک اندازه علیه هر دوجناح می شوراند. برای دولت یک دست که با وعده و ادعای مبارزه با فساد رقیب را از میدان بدر کرده هضم فساد فولاد به مراتب دشوارتر از دولت قبلی است. انداختن همه مسئولیت فساد به عهده دولت روحانی با لیستی که منتشر شده از ضربه‌ای که به حکومت آمده نمی کاهد. انکار اتهامات وارده توسط دفتر روحانی مبنی بر این که دولت او در فساد نقش و دستی نداشته و در انتخاب مدیران دخالت نمی کرده نیز نظر منفی مردم نسبت به دولت قبلی را از بین نمی برد. کما اینکه این فساد در دوران دولت قبلی رخ داده و مدیر عامل پیشین ذوب آهن که حالا ظاهرا از کار بر کنار شده گفته است این پولها را به دستور مقامات بالاتر به افراد و نهادهایی که نام شان در پرونده آمده می داده است.

فساد فولاد در واقع تائید دیگری است بر ساختاری شدن فساد در حکومت و لاعلاج شدن آن. بهمین سبب است که روزنامه های اولترا راست حکومتی به هر مستمسکی متوسل می شوند تا وجود فساد ساختاری را انکار و بعضا آن را توطئه دشمنان خارجی بنامند. اظهارات ضد و نقیض مسئولین و مقامات دولتی و کوششهایی که برای "کش ندادن" پرونده فساد فولاد مبارکه به عمل می آید خود برهان قاطع دیگری است بر ساختاری شدن فساد و علاج ناپذیری آن. تاوان سنگین این فساد را مردم با بدتر شدن وضعیت معیشتی و رفاهی شان باید تا این سیستم سر پاست بپردازند. با سرمایه‌ای که از شرکت فولاد غارت رفته می شد علاوه بر افزایش دستمزد و حقوق کارگران و بازنشستگان و نوسازی شرکت فولاد بسیاری از مشکلات مردم اصفهان و کشاورزان اصفهان را رفع یا حداقل کم کرد. اما حکومت ۹۳ میلیارد سود اضافی شرکت را صرف تجهیز نیروهای سرکوب و رشوه به امامان جمعه، حوزه علمیه و دیگر نهادهای انگلی سر بار و مفت خور یعنی عواملی کردند که هر یک به شکلی در پاسداری از استبداد و بی عدالتی و سرکوب و فساد نقش داشته و دارند. همان هایی که کشاورزان زحمتکش معترض اصفهانی را کشتند و کور کردند و اعتصاب و اعتراض کارگران و بازنشستگان را در اصفهان و خوزستان سرکوب کردند.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

**دولت موظف است به همه بیکاران حقوق بیکاری بدهد و بیکاران را تحت پوشش
تامین اجتماعی قرار دهد!**



آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش هفتم

"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی

هیو استورجس



گزارشها و تحقیقات موجود در باره برنامه "نان آور" نشاندهنده تمایزی بین طرفداران "تضمین اشتغال" و دیگران در ارزیابی و قالب گیری از آن است. طرفداران "تضمین اشتغال"، از جمله این برنامه را به عنوان یک برنامه استخدام عمومی ارزیابی می (Allen) چرنوا و ورای، و نیز آلن کنند که "شواهدی را از مزایای یک برنامه تضمین اشتغال کامل ارائه کرده است". در برابر، و راوالیون (Galasso) محققانی که طرفدار "تضمین اشتغال" نیستند، از جمله گالاسو ... "برنامه مذکور را یک "برنامه انتقال درآمد (Ravallion)

تضمین اشتغال در عمل: مقایسه برنامه های تاریخی و معاصر - ادامه 2-

برنامه "نان آور" (آرژانتین)

برنامه سرپرستان بیکار خانوار (از این پس برنامه نان آور) یک برنامه بزرگ ابعاد برای ایجاد اشتغال بود که از سال 2002 تا 2006 به اجرا گذاشته شد و صراحتاً با طرح "تضمین اشتغال" به مقایسه گذاشته شده است. طبق این برنامه، که در پاسخ به رکود اقتصادی بزرگ آرژانتین تدبیر شد، به ازای انجام کار در بخش خدمات عمومی یا فعالیتهای کوچک ابعاد ساختمانی، مبلغ 150 پزو به یک سرپرست اعلام شده هر خانوار بیکار شامل فرزندان یا اعضای معلول پرداخت می شد. هزینه این برنامه، در زمان اوج خود در سال 2002، حدود (Wray) و ورای (Tcherneva) 1 درصد تولید ناخالص داخلی با حدود 2 میلیون شرکت کننده بود. چرنوا مبتنی بر داده های بانک جهانی و دولت آرژانتین نتیجه می گیرند که طرح "نان آور" در کاهش بیکاری، تقویت رشد اقتصادی و ارتقاء روحیه کارگران بسیار مؤثر بوده است. برنامه با خروج اقتصاد آرژانتین از رکود، خاتمه یافت.

کارهای سپرده شده به کارگران برنامه از جمله شامل کارهای زیر می شدند: خدمات عمومی، خاصه خدمات اجتماعی همچون نگهداری از کودکان و تهیه غذا در مناطق کم درآمد، خدمات شهرداری مثل



نظافت و نگهداری از ساختمانهای عمومی و فضاهای عمومی، کار در پروژه های کوچک زیرساختی و ایجاد حدود (Kostzer) شرکتهای خرد برای تولید کالاها خاصه در کشاورزی یا برخی خدمات، به گزارش کوستزر 60 درصد کارگران شرکت کننده در طرح به کارهای ساختمانی، نگهداری و شرکتهای خرد اشتغال داشتند. بسیاری از خدمات ارائه شده توسط کارگران برنامه پیشتر یا به طور سنتی توسط دولت یا بازار خصوصی ارائه می شدند، اما به علت گرانی آنها یا عرضه کاهگداری شان در مناطق کم درآمد، در دسترس مستمندان قرار نداشتند. برنامه "نان آور" به ویژه به دلیل مشارکت زنان در آن قابل توجه بود: آنها بیش از 64 درصد کارگران برنامه را تشکیل می دادند. این واقعیت را می توان چنین تفسیر کرد که زنان کم درآمد در آرژانتین از این فرصت کار تضمین شده بهره گرفتند تا از موانع فرهنگی و ساختاری استخدام در بازار کار معمول پرهیز کنند. تفسیر بدیل چرنوا و ورای این است که زنان به عنوان نان آور خانوار اعلام می شده اند تا خانواده بتواند از این طریق درآمدی کمکی داشته باشد و در عین حال مرد خانوار به دنبال کار در بازار معمول باشد. این تفسیر می تواند مبین درجاتی از تلقی منفی از کار کارگران برنامه به عنوان کار مناسب باشد.

گزارشها و تحقیقات موجود در باره برنامه "نان آور" نشاندهنده تمایزی بین طرفداران "تضمین اشتغال" و دیگران در ارزیابی و قالب گیری از آن است. طرفداران "تضمین اشتغال"، از جمله چرنوا و ورای، و نیز آلن این برنامه را به عنوان یک برنامه استخدام عمومی ارزیابی می کنند که "شواهدی را از مزایای یک (Allen) برنامه تضمین اشتغال کامل ارائه کرده است". در برابر، محققانی که طرفدار "تضمین اشتغال" نیستند، از برنامه مذکور را را یک "برنامه انتقال درآمد" مستلزم کار می (Ravallion) و راوالیون (Galasso) جمله گالاسو دانند که "هدف آن برخورداری کسانی از مزایای آن است که بیشتر به کمک نیاز دارند، زیرا کارگران با درآمد بالاتر و کارگران شاغل جذب کاری با دستمزد کم نخواهند شد". این نظر را می توان یک تمایز سمانتیک تلقی کرد، اما نشان می دهد که که جریان اصلی، صداهای ارتدوکس مثل بانک جهانی و گالاسو و راوالیون – که برای بانک جهانی می نویسد – برنامه "نان آور" را برنامه ای انقلابی و شاخص تلقی نمی کنند، در حالی که طرفداران "تضمین اشتغال" چنین تلقی ای از آن دارند.

تمایز بین یک برنامه رفاهی با الزام کار از یک برنامه تأمین اجتماعی مشروط به کار چندان آسان نیست. بانک جهانی برنامه "نان آور" را صراحتاً به عنوان یک برنامه تأمین اجتماعی مشروط ارزیابی کرد و الزام کار برای برخورداری از آن را آزمون و ابزاری مؤثر دانست؛ در عین حال که اعلام کرد بسیاری از فعالیتهای کاری برنامه احتمالاً حاصل کمی داشته اند، و می توان آنها را "باری به هرجهت" نامید. این نشان می دهد که برنامه "نان آور" توسعه سرمایه انسانی و فیزیکی را مدنظر نداشته است. با این حال بنا به گزارش بانک "جهانی" زیرساختهای ساخته شده توسط برنامه عموماً از کیفیت خوبی برخوردار اند.

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهای مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!
قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران باید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!



تعیین سقف برای کار موقت جنجال فریبکارانه بر سر هیچ!

صادق



علت اصلی موقتی سازی ۹۴ درصد از نیروی کار و خیلی از مصیبت های دیگری که به کارگران تحمیل شده، جلوگیری خشونت آمیز از تشکیل اتحادیه ها و دیگر تشکل های مستقل کارگری است. مثل آفتاب عالم تاب روشن است کسانی که ۹۴ درصد کارگران را موقتی و در واقع بی حقوق کرده اند و با کمک آن کارگران را به بند کشیده اند حاضر نیستند بطور داوطلبانه امنیت شغلی کارگر را به او باز گردانند. اما طبیعی است که با دادن وعده های سر خرمن کوشش کنند مانع طغیان آنان شوند. اما به این معنی نیست که نمی شود امنیت شغلی را تامین کرد.

خبر گزاری ایلنا روز گذشته به نقل از علی خدایی یکی از اعضای شورای عالی کار خبر منتشره در مورد طرح دائمی شدن کارگران موقت را تکذیب کرد.

یکی از اعضای شورای عالی کار قبل از تکذیب خدایی صحبت از تصویب نهایی طرحی در شورای عالی کار کرده بود که بر اساس آن کارگران موقت بعد از ۴ سال از موقت به کارگر دائمی تبدیل می شوند.

هر از چند گاهی، مسئولی یا نهادی طرحی برای تعیین سقف کار موقت و رسمی شدن کارگران قراردادی ارائه می کند. سپس مدتی بر سر آن بحث و جنجال و تبلیغ می کنند به طوری که کارگر تصور کند گویا مسئولین یا در واقع آنانی که طی سالهای گذشته آگاهانه بنیاد امنیت شغلی کارگران را با رواج کار موقت از ریشه برکرده اند در حال پیدا کردن راهی برای رفع این معضل خود ساخته هستند.



اما طرح ها می آیند و می روند و تعداد قراردادهای موقت بیشتر و کوتاهتر و شرایط آنها برای کارگر سختتر و طاقت فرسا تر می شود. بطوریکه خود مسئولین ذیربط نیز می گویند بین ۹۴ تا ۹۷ درصد کارگران با قرارداد موقت کار می کنند و فاقد هر نوع امنیت شغلی و حمایت هستند

وجود قرار داد های موقت حکم شمشیر داماکلوس را برای کارگران پیدا کرده زیرا کارفرمایان را قادر می سازد هر زمان که خواستند، با دلیل و بدون دلیل بی هیچ مانعی کارگران را از کار اخراج کنند، امسال تعداد کارگرانی که در اثر موقتی بودن از کار اخراج شده اند، به شدت افزایش پیدا کرده است. علت اکثر اخراج بدون ضابطه بیشتر اخراج شدگان یا درخواست افزایش دستمزد سالیانه قانونی و یا شرکت در اعتصاب و اعتراض های صنفی بوده است. نه ادارات کار و استانداریها و نه دیگر نهاد های حکومتی با وجود امتناع کارفرمایان از افزایش دستمزد قانونی و محرز بودن تخلف کارفرما اقدامی برای بازگرداندن معترضین به سر کار شان نکرده اند و نمی کنند و گویی باهم تبانی کرده اند

تا پیش از شروع سیاست تعدیل اقتصادی توسط رفسنجانی و موتلفه اسلامی، قریب ۷۰ درصد کارگران رسمی بودند و از مزایای همین قانون کار پر عیب و تناقض برخوردار بودند

هر گاه اعتراض علیه قراردادهای به راستی اسارتبار توسط کارگران بالا می گیرد شاهد در انداختن طرح های از این دست هستیم که به فرض اینکه تبدیل به قانون هم بشوند، تاثیر چندانی در تامین امنیت و بهبود شغلی کارگران و کارکنان موسسات خصوصی و دولتی ندارد و بر عکس موجب دلخوشی کاذب عده ای از کسانی ممکن است بشود که اطلاعی از اینگونه مسائل ندارند

اکنون که مدتی است اعتراضا علیه کار موقت، شرکتی و پیمانی میان کارگران بالا گرفته و آنان خواستار لغو قراردادهای موقت و رسمی شدن هستند، دوباره این طرح را علم کرده اند، بلکه با این ترفند اعتراضات فزاینده به کار موقت را تقلیل دهند

خاصیت اینگونه طرح ها برای کارفرمایان در این است که امید کاذب ایجاد می کند و کارگر و کارمند به امید اینکه بعد از مدتی استخدام رسمی خواهند شد به هر ظلم و اجحافی از طرف مدیران دولتی و کارفرمایان بخش خصوصی تن می دهند

ابهام عامدانه در ماده ۷ قانون کار توسط قانون گزاران نیز راه تفسیر و تعبیر دلخواهانه از قانون را از پیش مهیا نموده است. طبق قانون مدت کار آزمایشی ۶ ماه تعیین شده و اگر پس از طی این مدت کارفرما کارگر را از کار اخراج نکند کارگر اصطلاحاً دایمی تلقی خواهد شد و از حقوق و مزایای کارگر رسمی باید برخوردار شود. این قانون تا زمان دولت رفسنجانی غالباً به این صورت در کارگاه های مشمول قانون کار اجرا می شد. از زمان رفسنجانی به بعد که تلاشها برای تغییر قانون کار شروع شد، دولت رفسنجانی راه را برای رواج پر شتاب قراردادهای موقت تسهیل کرد و دولتهای بعدی اعم از اصلاح طلب و محافظه کار این سیاست را ادامه دادند و اعتراضات کارگری نیز علیه قراردادهای موقت بیشتر شد

در زمان وزارت علی ربیعی با حمایت شوراهای اسلامی و خانه کارگر طرح تعیین ۳ سال زمان برای کار موقت مطرح ولی چون بقول کارگران طرحی سرکاری بود پیگیری نشد. بر اساس طرح نامبرده کارگر بجای ۶ ماه دوره آزمایشی که در قانون کار پیشبینی شده بود، بایستی ۳ سال کار می کرد تا بتواند رسمی! شود و اگر یک روز مانده به سه سال کارفرما کارگر را اخراج می کرد، استخدام رسمی منتفی می شد



اخیرا نیز ظاهرا به ابتکار وزیر کار معزول دولت رئیسی همان طرح علی ربیعی با افزودن یک سال به آن مطرح شده و ظاهرا کمیته‌ای در شورای عالی کار هم برای آماده کردن شرایط اجرایی آن تشکیل شده و از طرف بعضی از اعضای کمیته مزبور تبلیغات اغواگرانه‌ای مبنی بر اینکه گویا با اجرای طرح بعد از ۷ سال کارگران موقت رسمی خواهند شد به راه افتاده است. تبلیغات به قدری کاذب و بی اساس است که حتی از طرف بعضی از نمایندگان تشکلهای کارگری حکومتی در شورای عالی کار تکذیب شده است. علی‌حدایی یکی از اعضای شورای عالی کار کمیته پیگیر قضیه را فاقد قدرت قانونی برای انجام چنین کاری عنوان نموده و گفته است: "اینکه در برخی از رسانه موضوع تعیین سقف ۴ سال برای کارهای با ماهیت دائم، به گونه‌ای مطرح شده که انگار حتمی و قطعی است درست نیست. کمیته امنیت شغلی اختیار تصمیم‌گیری ندارد بلکه این دولت و نهایتا مجلس است که باید در خصوص این موضوعات تصمیم بگیرد". بله درست است، اما پرسش این است اگر کمیته "امنیت شغلی" فاقد اختیار برای انجام چنین اموری است، پس چرا شورای عالی کار چند ماه وقت صرف کاری کرده است که قدرت و اختیار پیشبرد آن را ندارد؟ در این صورت مقصود چنان که اشاره شد، غیر از فریب و دلخوش کردن کارگران چه چیز دیگری می‌توانسته باشد؟ در طی سالهای متمادی یکی از وظایف تشکلهای حکومتی همین بوده که امید کاذب ایجاد کنند تا به وسیله آن اعتراضات به حق کارگران را به بیراهه بکشانند. از همه طرح‌هایی که این جماعت در انداخته‌اند حتی یکی از آنها برای نمونه عملی نشده است.

پیشبردن هر مطالبه‌ای نیاز به نیرو، وسیله و اراده و اعتماد کارگران به عامل پیشبرنده آن دارد. تشکل مستقل و مبارز و معتقد به حقوق مردم و زحمتکشان مهمترین شرط پیشبرد هر مطالبه‌ای در هر زمان و شرایط است. تشکلهای حکومت ساخته هیچ کدام این مشخصات را ندارند و اصولا برای مقصود دیگری توسط حکومت سرهم بندی شده‌اند. علت اصلی موقتی سازی ۹۴ درصد از نیروی کار و خیلی از مصیبت‌های دیگری که به کارگران تحمیل شده، جلوگیری خشونت آمیز از تشکیل اتحادیه‌ها و دیگر تشکلهای مستقل کارگری است. مثل آفتاب عالم تاب روشن است کسانی که ۹۴ درصد کارگران را موقتی و در واقع بی حقوق کرده‌اند و با کمک آن کارگران را به بند کشیده‌اند حاضر نیستند بطور داوطلبانه امنیت شغلی کارگر را به او باز گردانند. اما طبیعی است که با دادن وعده‌های سر خرمن کوشش کنند مانع طغیان آنان شوند. اما به این معنی نیست که نمی‌شود امنیت شغلی را تامین کرد. تجربه مبارزات کارگری نشان می‌دهد که مطالبات را می‌توان با مبارزه متشکل گرفت

خیلی اگر نخواهیم به دور برویم همین بر خوردهای سرکوبگرانه‌ای که با تشکلهای مستقل معلمان و فرهنگیان می‌کنند و با پرونده سازی‌های امنیتی رهبران آنها را به زندان می‌افکنند الگوی رفتاری حکومت طی ۷۷ سال گذشته با تشکل سندیکایی مستقل و حق تشکل بوده است. خلاصه کلام اینکه مهمترین شرط ایجاد امنیت شغلی مانند سایر مطالبات کارگران ایجاد تشکلهای مستقل کارگری است. این مهم نیست که دولت و کارفرمایان تشکلهای مستقل را نمی‌پذیرند، آنها را سرکوب و حاضر به ثبت آنها نیستند، مهم این است که تشکلهای پایه را در موسسه‌ها و کارخانه‌ها به شکل مقتضی سازمان داد. تجربیات سازمانیابی معلمان و بازنشستگان و هم نتایج آنها پیش روی ماست

همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و سایر زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم

همه زندانیان سیاسی باید بلادرنگ آزاد شوند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



هشدار کارکنان رسمی صنعت نفت به مسئولین

گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

به تصمیم شورای هماهنگی کارکنان رسمی نفت تاریخ تجمعات نفتی ها تغییر کرد

شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت در آخرین تصمیم گیری ها اعلام کرده که طبق آخرین اخبار واصله جلسه ای تحت عنوان جلسه نهایی برای اجرای جدول پایه حقوق سال ۹۳ با حضور معاونین وزیر نفت و سایر اعضا برگزار بوده و علاوه بر تصحیح رقم های واریزی بن کارت ها، از اجرای قطعی ماده ده و تایید نهایی اجرای جدول بدو استخدام و معوقات آن از سال ۹۳ و همچنین اصلاح جدول بدو استخدام از ابتدای سال ۱۴۰۱ خبر داده اند که با توجه به صحبت های تلویزیونی مددی معاونت توسعه مدیریت وزیر که قطعا در نتیجه اقدامات و اعتراضات گسترده همکاران بوده است لذا پس از بررسی های شورا تصمیم بر تغییر تاریخ تجمعات سراسری از پنجم شهریور به بیست و هشتم شهریور ماه گرفته شد.

این شورا در ادامه گفته است این مدت صرفا مهلتی است تا مسئولان نفت حسن نیت خود برای اجرای قطعی ماده ده و جداول بدو استخدام را در عمل و نه در حرف، ثابت نمایند.

در صورت خلف وعده مسئولان تاریخ بیست و هشت شهریور به همراه خانواده هایمان پرشور تر از همیشه برای احقاق حقمان خواهیم آمد.

اعتصاب کارگران پتروشیمی بوشهر سایت یک

بنا به اخبار رسیده همکاران شاغل در شرکت ستاره تاراز (پیمانکاری غریبی) پتروشیمی بوشهر سایت یک در اعتراض به عدم پرداخت سه ماهه دستمزدهایشان اعتصاب کرده و دست از کار کشیدند.



به گفته نیروهای قدیمی تر این شرکت پیمانکاری ستاره تاراز در بدقولی و تعویق های چند ماهه پرداخت حقوق، کسر از حقوق ها و همینطور شرایط غیر بهداشتی تهیه غذا و کانکس های اسکان پرونده سیاهی دارد.

به عنوان مثال زمانی که این شرکت در خرداد سال نود و شش در فاز ۱۳ برای گروه مپنا کار می کرد با دادن غذای فاسد باعث شد نزدیک به چهل نفر از نیروها دچار مسمومیت شدید شوند بطوری که همان شب سی نفر به بیمارستان کنگان اعزام شدند.

ما برده نیستیم که فقط برای یک لقمه نان آن هم هر زمان که میل پیمانکار بکشد آن را بدهد جان بکنیم. ما انسانییم و داشتن یک زندگی درخور انسان حق مسلم ماست.

دست پیمانکاران مفتخور و بی رحم را از سفره هایمان باید کوتاه کنیم.

کارگران اخراجی روغن نباتی جهان خواستار بازگشت به کار یا پرداخت حقوق بیکاری شدند

به گزارش خبرنگار ایلنا، ۷۳ کارگر روغن نباتی جهان که ۶۰ نفر از آنها با حکم کارفرمای کارخانه با اتمام قرارداد کار بیکار شده بودند، دوم شهریور ماه با طرح شکایتی در اداره کار زنجان، پیگیر مطالبات صنفی، بازگشت به کار و و برقراری مقرری بیمه بیکاری خود شدند.

تعدادی از کارگران که به صورت میانگین ۱۵ سال سابقه کار دارند، یادآور شدند: در حالی با اتمام قرارداد یک ماهه اخراج شده ایم که ۱۳ نفر از همکارانمان برای وصول مطالبات عقب افتاده خود برای شکایت به ما ملحق شدند. همه ما کارگران علاوه بر دریافت نکردن چهار ماه حقوق در سال جاری، هنوز موفق به دریافت مطالبات قدیمی سالهای ۹۳ تا ۹۷ نیز نشده ایم که هنوز پرونده شکایت آن در اداره کار زنجان باز است.

اگر فتن وثیقه ۵۰۰ میلیونی برای مرخصی درمانی از اسماعیل گرامی

واقعا شرم آور است یک کارگر بازنشسته زحمتکش را به خاطر شرکت در اعتراض صنفی بازداشت می کنند، در زندان بیمارش می کنند، ۱۷ ماه به او مرخصی نمی دهند، و برای رفتن به مرخصی درمانی ۵۰۰ میلیون از وی وثیقه می گیرند.

اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته پس از ۱۷ ماه زندان، روز سه شنبه اول شهریور ماه ۱۴۰۱ به قید وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین به مرخصی آمد.

آقای گرامی از کارگران معترض بازنشسته تامین اجتماعی است که تمام فعالیت هایش در راستای احقاق حقوق بازنشستگان بوده و خواهان اجرای کامل متناسب سازی و همسان سانسازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی میباشد که با پرونده سازی عوامل امنیتی از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در مجموع به تحمل چهار سال حبس و شلاق و جریمه نقدی گردیده است.

اوضاع عجیبی است

مجلس حکم داده که کار دولت در مورد افزایش حقوق بازنشستگان خلاف قانون است.

دولت پذیرفته که مرتکب خلاف شده و عقب نشینی کرده، آنوقت باز هم بازنشسته ها را بخاطر اعتراض به !قانون شکنی دولت محاکمه می کنند



گزارش کانال سندیکا هفت تپه

تعدادی ۳ نفر از بازنشستگان اهواز جهت آخرین دفاعیات به شعبه سیزده بازپرسی دادسرای انقلاب اهواز احضار شدند.

شنیده ها حاکی است که اتهامشان تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت ملی از طریق برگزاری تجمعات اعتراضی است.

اسامی این بازنشستگان که بیست روز در بازداشتگاه اطلاعات سپاه بودند بدین شرح است

ناصر سعیداوی، محمد زمان کامروا، مراد ظهراپی

وکیل انتخابی بازنشستگان فرزانه زیلابی است

شنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۱

اعتصاب مزدی کارگران اقتصاد انگلستان را شوکه کرد

در انگلستان؛ اعتصاب آخرین اقدام کارگران در مجموعه‌ای از صنایع است که در شرایط تورمی این کشور، خواهان دستمزد بالاتر هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا به نقل از شبکه الجزیره، اعتصاب کارگران بنادر با حمایت اتحادیه‌های کارگری بریتانیا، مهم‌ترین و بزرگترین بندر کانتینری انگلستان را فلج کرد.

طبق این گزارش، در انگلستان اعتصاب آخرین اقدام کارگران در مجموعه‌ای از صنایع است که در شرایط تورمی این کشور، خواهان دستمزد بالاتر هستند.

کارگران بزرگترین بندر کانتینری بریتانیا (فلیکس استو) اعتصابی هشت روزه را آغاز کردند که در اعتراض به عدم تطابق مزد با هزینه‌های افزایش یافته ناشی از بحران تورمی اروپاست. کارگران می‌گویند درحالی که صاحبان سرمایه روی قیمت همه اجناس کشیدند، ما کارگران چرا باید درباره تنها کالای خود که نیروی کار است چنین نکنیم؟

سالانه حدود ۴ میلیون کانتینر از ۲۰۰۰ کشتی را که بیش از Felix-stow نزدیک به دو هزار کارگر در بندر نیمی از حمل و نقل ورودی انگلستان را تشکیل می‌دهد، حمل می‌کنند. این کارگران اکنون از روز یکشنبه کار خود را ترک کردند.

کارشناسان اقتصادی به الجزیره می‌گویند که زنجیره تامین کالا از روز گذشته در اثر این اعتصاب دچار بحران شده و آثار آن به کل اقتصاد انگلستان تسری یافته است.

کارکنان شرکت ملی پست انگلستان نیز در اواخر این ماه اعتصاب چهار روزه دیگری را برنامه ریزی می‌کنند، اخیراً با اولین توقف فعالیت خود در اثر اعتصاب مواجه BT در حالی که غول مخابراتی بریتانیا یعنی شرکت است. کارکنان انبارهای انگلستان آمازون که شبکه توزیع اروپایی این شرکت بزرگ آمریکایی نیز مانند کارگران شهرداری و جمع‌آوری زباله به اعتصابات پراکنده و نامنظم خود ادامه دادند.



بابی مورتون، افسر ملی اسکله فلیکس-استو در اتحادیه یونیت که نماینده کارگران اعتصابی نیز محسوب می‌شود، گفت: «اقدامات اعتصاب کنندگان باعث اختلال بزرگی می‌شود و موج‌های عظیمی را در سراسر زنجیره تأمین کالا و حمل و نقل بریتانیا ایجاد می‌کند، اما این مناقشه کاملاً ساخته خود شرکت خصوصی حاکم بر بندر است که نمی‌خواهد حقوق ما را متناسب با وضع موجود کند. ما از اعتصاب و توقف کار خوشحال نیستیم اما این [شرکت] از هر فرصتی برخوردار بوده است تا به اعضای ما یک پیشنهاد منصفانه «ارائه دهد، اما تصمیم گرفته است این کار را انجام نداد».

مدیریت بندر در ادامه اعتصاب پیشنهاد افزایش حقوق ۸ درصدی را در بیانیه‌ای اعلام کرده که مورد پذیرش نمایندگان کارگری قرار نگرفته است.

مدیریت این بندر گفته است: «این بندر اشتغال ایمن و با درآمد مناسب را فراهم می‌کند و هیچ برنده‌ای از «این اقدام غیر ضروری (اعتصاب) سربلند خارج نخواهد شد».

تورم در بریتانیا ماه گذشته به بالاترین حد در نیم قرن گذشته رسیده و در بحبوحه افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی که تا حدی ناشی از حمله روسیه به اوکراین بود، مدت‌ها است که از دو رقمی شدن گذشته است. این درحالی است که انگلستان در چهار دهه اخیر از نظر مالی و قیمتی از اقتصادهای بسیار با ثبات جهان محسوب می‌شد.

بانک مرکزی انگلیس پیش بینی کرده است که این رقم در سال جاری به بالای ۱۳ درصد برسد و اقتصاد انگلیس را وارد رکود طولانی مدت کند.

هری فاوست از الجزیره در گزارشی از بندر فلیکس استو گفت: «کارگران، مانند بسیاری از افراد در سراسر بریتانیا، با این افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی، هم از نظر تورم کالاها، و هم از نظر افزایش وحشتناک «هزینه سوخت، دست و پنجه نرم می‌کنند».

او افزود، با این حال، اعتصاب می‌تواند وضعیتی را که قبلاً ناامن است بدتر کند. گروه کشتیرانی مرسک، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های حمل‌ونقل کانتینری جهان، هشدار داده است که این اقدام تأثیر قابل‌توجهی خواهد داشت و باعث تأخیر عملیاتی می‌شود و آن را مجبور به ایجاد تغییراتی در خطوط کشتی‌های خود «می‌کند».

فاوست گفت: «این یک بندر بسیار مهم است، به ویژه از نظر منسوجات، اما همچنین انواع محصولات خوراکی که از اینجا وارد می‌شوند، برای انگلستان اهمیت راهبردی دارد و ممکن است دولت مستقیماً در «این ماجرا ورود کند، زیرا ممکن است این چرخه تورمی ادامه یابد».

اسماعیل بخشی خواستار آزادی لیلا حسین زاده فعال دانشجویی حامی جنبشهای اجتماعی شد. توثیت بخشی

فعال دانشجویی، حامی همه ستم‌دیدگان و جنبشهای حق طلبانه جوانی و سلامت‌ش را در زندان گرفتن دچار بیماری صعب‌العلاج ست و برآش عدم تحمل حبس زدند اما مرتب با خشونت بازداشتش می‌کنند تا زجر کش شود توجه دارید؟! بیمارست و با کارگری داروهایش را تهیه می‌کرد
#لیلا_حسین_زاده_را_آزاد_کنید



گفتنی است که از هنگام بازداشت لیلا حسین زاده اعتراضات گسترده‌ای در تویتر و دیگر سایتهای اجتماعی با خواست آزادی این فعال شناخته شده و پرتلاش جنبش دانشجویی به عمل آمده. کاربران علاوه بر اعتراض خواستار آزادی لیلا حسین زاده شده‌اند. اعتراضات همچنان ادامه دارد.

صدمین روز رسول بداقی در انفرادی

روز گذشته ۱۰۰ روز از بازداشت رسول بداقی از رهبران اصلی و با سابقه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان گذشت. بداقی تا پیش از بازداشت آخرش چند بار دیگر به دلیل فعالیت صنفی بازداشت و حداقل ۷ سال از عمر خود را در زندان جمهوری اسلامی گذرانده و بعد از آزادی از زندان قبلی از کار اخراج شده است. با این همه فشار و ستم ولی دست از فعالیت های خود نکشیده و در سخت ترین شرایط از فعالیت هایش دفاع کرده است. نگه داشتن بداقی در زندان انفرادی حاکی از فشاری است که زندان بانان جنایتکار برای در هم شکستن او می آورند. بداقی قبلا نیز ۷ ماه از محکومیت اش را در انفرادی گذرانده و سرفرازه از آن بیرون آمده. او را فراموش نکنیم و از هیچ تلاشی که از دست مان بر می آید برای آزادی بداقی و دیگر معلمان زندانی دریغ نکنیم.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران

اعتراض کارگران شرکت آباد راهان عسلویه نسبت به عدم پرداخت حقوق کارگران شرکت آبادراهان عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان دست به اعتصاب زده و درب ورودی شرکت را بسته‌اند. گفته می‌شود، این کارگران شرکتی از اردیبهشت‌ماه تاکنون، حقوق دریافت نکرده‌اند

صد روز گذشت ، رضا شهابی با وخامت جسمانی شدید همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین بلا تکلیف رها شده است.

رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بیش از صدروز است در بند ۲۰۹ زندان اوین همچنان در بلا تکلیفی بسر میبرد. ادامه بازداشت رضا شهابی در بند ۲۰۹ درحالی صورت گرفته که این فعال سندیکایی دچار مشکلات جسمانی جدی و متعددی میباشد بطوری که دائما از ناحیه گردن و سمت چپ بدنش بخصوص دست و کتفش احساس درد طاقت فرسا دارد، ضمن اینکه به دلیل نوسان های فشار خون دچار سردردهای طولانی مدت میباشد.

رضا شهابی در محکومیت قبلی اش که در اثر ضرب و شتم مامورین بازداشت کننده دچار صدمات جدی از ناحیه گردن و کمر گردید در زندان به اجبار تن به جراحی چندین مهره گردن و کمر داد و به علت عدم ادامه درمان درخارج از زندان هرگز درمانش بپایان نرسید و همچنان در حال مداوا بود که مجددا بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. تداوم حبس ناعادلانه رضا شهابی، باعث تشدید درد کمر و گردنش شده است . این کارگر زندانی و فعال سندیکایی باید حتما از حفاظ گردن و زیر سری مخصوص استفاده کند.

پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمت‌ها مبارزه کنیم!



انتقال جعفر ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران از سلول
انفرادی به بند عمومی بعد از ۱۰۲ روز
اقای ابراهیمی بیمار و نیاز به درمان در خارج از زندان دارد.
محمد حبیبی را آزاد کنید!



استقبال گرم و گسترده ی اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان_دیواندره و فعالین مدنی،
در ورودی شهر دیواندره از آزادی سرافرازان کنشگر صنفی معلمان،



اخذ آخرین دفاع حسن سعیدی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد، هفتم شهریور ۱۴۰۱ توسط بازپرسی دادسرای زندان اوین، انجام گردید
حسن سعیدی را آزاد کنید!



لیلا حسین زاده را آزاد کنید

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>